

یك شاعر آیینی:

سنی‌و شیعه ایرانی برای اهل بیت(ع) شعر گفته‌اند



یك شاعر آیینی معتقد است محبت اهل بیت^(ع) در قلوب همه ایرانیان جاودان است و همه شاعران فارسی‌زبان اهل تسنن و تشیع، اهل بیت^(ع) را ستوده‌اند.

به‌گزارش مهر، رضا اسماعیلی درباره شعر عاشورایی گفت: به طور

خلاصه شعر عاشورایی از همان صدر اسلام و زمانی که حادثه عاشورا رخ داد شکل گرفت و اهل بیت^(ع) از پرچم‌داران شعر عاشورایی بودند و این جریان را آغاز کردند. برای مثال، ما از حضرت ابا‌الفضل^(ع) و حضرت زهرا^(س) و حضرت زینب^(س) و بسیاری از بزرگان دین درباره حادثه عاشورا شعر داریم و این اشعار در تاریخ ثبت شده و به فارسی ترجمه شده‌اند.

این شاعر آیینی ادامه داد: اما اگر بخواهیم از شاعران عرب و فارسی‌زبان بگوییم ادبیات دینی و آیینی ما از سده چهارم به صورت جدی شکل گرفت و در دوران آل بویه پس از اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی ایرانیان فضا برای عزاداری علنی در سطح اجتماع و مردم و اقشار مختلف فراهم شد و به این ترتیب افراد جامعه به اباعبد...^(ع) اظهار ارادت می‌کردند. پس از این دوران یکی از مقاطعی که در حوزه ادبیات دینی ما تأثیرگذار بود، دوران صفویه بود که حاکمان وقت به این مسائل بها می‌دادند و توصیه می‌کردند مدح اهل بیت^(ع) گفته شود و در این دوران نیز شاعران فراوانی با امنیت خاطر در این مسیر گام برداشتند. او با بیان اینکه دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی مقطع درخشان دیگری است که تحول عظیمی در شعر دینی و آیینی ما اتفاق افتاد، افزود: اگر بخواهیم آثار بعد از انقلاب را از لحاظ کمی و کیفی با پیش از انقلاب مقایسه کنیم کفه ترازوی اشعار بعد از انقلاب در حوزه شعر آیینی سنگین‌تر است.

اسماعیلی تصریح کرد: به نظر من همه شاعران فارسی‌زبان اهل تسنن و تشیع و همه شاعران آیینی درباره اهل بیت^(ع) زبان به ستایش باز کرده‌اند. حتی در اشعار رودکی که پدر شعر فارسی است معنویت موج می‌زند و درباره ستایش پروردگار شعر سروده است. به همین ترتیب، سنایی، عطار، مولانا، حافظ، سعدی، بیدل، صائب، استاد شهریار و شاعران نسل‌های اول تا چهارم انقلاب اشعار زیادی در این باره دارند که اگر بخواهیم آن‌ها را جمع کنیم هزاران دفتر می‌شود. این نشان می‌دهد محبت اهل بیت^(ع) در قلوب ایرانیان جاودان و پایدار است و روز به روز هم بیشتر می‌شود.

اندیشه‌های حکمی و کلامی وادبی حکیم ناصر خسرو قبادیانی طی مراسمی بررسی شد ناصر خسرو؛ محب خر دمنده اهل بیت (ع)

مراسم بررسی اندیشه های حکمی و کلامی و ادبی حکیم ناصرخسرو قبادیانی با حضور استادان و پژوهشگران وعلاقه‌مندان زبان و ادب فارسی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد. به‌گزارش سبستان، مهدی محقق، عضو هیئت‌مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مصحح برجسته دیوان اشعار ناصرخسرو، در این مراسم گفت: بنده به همراه مرحوم استاد مجتبی مینوی و علی رواقی توفیق پیدا کردیم که در دهه پنجاه شمسی دیوان ناصرخسرو را تصحیح و چاپ کنیم. با حضور دکتر رواقی در این جمع علمی خوشبختانه در مباحث لغوی و واژگانی همه مشکلات حل می‌شد و با کوشش وافر که مرحوم مینوی داشتند تصحیح این دیوان به بهترین شکل ممکن انجام شد.

او تأکید کرد: حکیم ناصرخسرو حکمت شرعیه و حکمت عقلیه را آشتی داد و با نگارش «سفرنامه ناصرخسرو، اثری ماندگار در حوزه سفرنامه‌نویسی از خود به جای گذاشت.

در ادامه، محمود شالویی، رئیس انجمن، گفت: تلازم عقل و دین و توجه ویژه او به تأویل و باطن متن از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های فکری حکیم ناصرخسرو است.

اوبیان کرد: ناصرخسرو نقش مهمی در پرورش و پالندگی حکیمان و اندیشمندان پس از خود داشت و برای دیگران شرایطی را فراهم آورد که در باب آرا و اندیشه‌های او پژوهش کنند.

در این برنامه، احمد تمیم‌داری، استاد بازنشسته زبان و ادب فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، نیز گفت: در اشعار ناصرخسرو جایگاه‌علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) در مقایسه با دیگران به‌صورت ویژه‌ای تفاوت دارد. علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) و فرزندان ایشان، همواره مورد ستایش و تحسین ناصرخسرو هستند.

او تصریح کرد: ناصرخسرو مخاطبان خود را به دوستی امام علی^(ع) و خاندان پیامبر اکرم^(ص) توصیه می‌کند.

سخنران پایانی این مراسم، سرور مولایی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بود. که گفت: دیوان ناصرخسرو، دیوان حریت و آزادیکی است وتوجه‌وی به آزادی و آزادیگی اهمیت فراوان دارد. او افزود: ناصرخسرو دشمن جهالت و کوتاه‌نگری و نادانی است. همچنین انتقادهای اجتماعی او بسیار مستدل است و تنها به جنبه عقیدتی او باز نمی‌گردد.

زین‌قنبر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته ✖**

پیگیری‌ها از سازمان برنامه‌و بودجه کشور نشان می‌دهد، جوادحسین‌زاده‌رنیس‌مرکز آمار ایران از ریاست مرکز آمار ایران به‌عنوان یکی از زیر مجموعه های سازمان برنامه کنار رفته است

- ویراسته ✔**

پیگیری‌ها از سازمان برنامه‌و بودجه نشان می‌دهد، جوادحسین‌زاده از ریاست مرکز آمار ایران کنار رفته است. این مرکز یکی از زیر مجموعه‌های سازمان برنامه و بودجه است.

- نکته 📌**

تودرتونوشتن روعایت نکردن جایگاه جمله‌ها زضع‌های جدی نوشته‌های امروز ما به ویژه در رسانه‌هاست.

#زین‌قندپارسی

شکار



فرهنگ و ادبیات

- داستانی درباره بی‌عدالتی، فروپاشی اخلاقی و چیزهای دیگر**

هری مورگان ناخدای سیور و دریادیده و تنگ‌دستی است که درکی‌وست‌فلوریدا با قایقش گردشگران را به سفرهای ماهیگیری می‌برد. سلسله وقایعی مورگان را به سمت سرنوشت نهایی هُل می‌دهد، جانسن یکی از عوامل این وقایع است. مرد ثروتمند آمریکایی که برای سه هفته قایق او را اجاره می‌کند و به دریا می‌روند و در نهایت لوازم گران‌قیمت ماهیگیری مورگان را به باد می‌دهد، او قول می‌دهد هزینه سه هفته و خسارتی را که وارد کرده بدهد، اما روز بعد، بدون اینکه پولی بدهد فرامی‌کند و هرری مورگان را فقیرتر از قبل پشت سرش جا می‌گذارد. مورگان برای تأمین هزینه‌های خانواده‌اش پیشنهاد چینی ردلی به نام سینگ را برای انتقال محموله انسانی به کوبا قبول می‌کند، اما او را می‌کشد و محموله انسانی «چینی‌ها» را در ساحلی پرت پیاده می‌کند.

«ناخدا خورشید» یک داستان آمریکایی بومی شده

هاوارد هاکس، کارگردان شهیر آمریکایی، به همینگوی می‌گوید می‌خواهد از بدترین کتابش فیلمی بسازد: «او با ترش‌رویی پرسید: کدام بدترین کتابت؟ و من جواب دادم: اون آشغالی که اسمش داشتن و نداشتن است. او گفت: خب به پول نیاز داشتم، و من گفتم: این برام اهمیتی نداره. او ادامه داد: نمی‌تونم فیلمی از اون درباری، من جواب دادم: البته که می‌تونم.»^۶

البته که نتوانست. درست است که این اثر همینگوی به اندازه «وداع با اسلحه، تحسین نشد، اما «داشتن و نداشتن»ی که هاکس با اقتباس از این رمان ساخت، از بدترین آثارش است و تقریباً هیچ شباهتی به اثر اصلی ندارد. البته خودش مدعی است تغییرات را با همینگوی درمیان گذاشته بوده.

این ناصر تقوایی بود که با اقتباسی آزاد، از دل «داشتن و نداشتن»، فیلمی آبرومند درآورد و به داد همینگوی رسید و نشان داد از آن اثر چه فیلمی می‌شود ساخت. «ناخدا خورشید»ی که در بندر گنگ ساخته شد، به مراتب از نسخه هالیوودی آن بهتر است. خود تقوایی گفته است: «من همیشه مجذوب نگاه همینگوی و شیفته نشرش بودم. متأسفانه خود آمریکایی‌ها در سینما ارزش‌های کار او را درنیافتند. او قصه‌های درجه‌یکی نوشت که فیلم‌های درجه‌سومی بر اساس آن‌ها ساخته شد. داشتن و نداشتن ساخته‌هاوارد هاکز، هیچ ربطی به قصه همینگوی ندارد. بدترین اقتباس ادبی در سینماست.»^۷ ناخدا خورشید یک هری مورگان بومی شده است. مردی که تقوایی او را می‌شناسد چون معادل واقعی او را دیده‌است. مردی به نام «خورشیدو»، «خورشیدو نام یک شخصیت واقعی بود و حتی می‌خواهم بگویم ماجراجویی واقعی هم در زندگی او بود که بسیار شبیه داستان همینگوی بود.»^۸ خورشیدو خلاف کاری لوطی مسلک است که کاری خلاف عرف نمی‌کند و پیش‌مردم

نگاهی به رمان «داشتن و نداشتن» ارنست همینگوی و فیلم «ناخدا خورشید» اقتباس ماندگار ناصر تقوایی از آن

وقتی اقتباس ایرانی رمان همینگوی بهتر از اقتباس هالیوودی شد

مجید خاکپور

ماهیگیر بزرگ، نویسنده بزرگ، کهنه‌سرباز جنگ جهانی اول، قبراق، قوی هیکل، آفتاب سوخته، آماده دعوا با دستکش یا بی‌دستکش، گردن کلفت دوست داشتنی، قهرمان خوانندگان مجله اسکواپر...

این‌ها بخشی از صفاتی است که آنتونی برجس در کتابش درباره ارنست همینگوی به او نسبت می‌دهد. و البته که برجس در ستایش او تنها نبود. همینگوی ستایندگان بسیاری داشت. از کوبا تا فرانسه و از آنجا تا روسیه، اما در برهه‌ای مورد تحقیر جنبش‌های چپ، به‌ویژه چپ گرایان هم وطنش بود. «این گروه‌ها اعتقاد داشتند همینگوی دیدگاه‌های ترقی‌خواهانه را کنار گذاشته است. در دوره بحران بزرگ اقتصادی آمریکا، همینگوی شیر و نیزه‌ماهی شکار کرده بود و به تماشای مسابقه‌های گاوپازی رفته بود و در دفاع از نظر به‌های موعودگرای جنبش‌های انقلابی هیچ نوشته بود.» انتقادها به او بالا گرفت اما پایا (لقب موردعلاقه همینگوی) واکنشی نشان نمی‌داد. جز به یکی از منتقدان که از سردبیران مجله‌ای چپ به نام «توده‌های نو» بود و در تحقیر آثار همینگوی پا را از کلیش‌درازتر کرده بود. «همینگوی می‌گفت خیلی دلش می‌خواهد دفعه دیگر که همدیگر را دیدند بزند چانه آن بی‌همه چیز را خرد و خاکشیر کند.»^۲ که خب، این واکنش از کسی که مشّت‌های سنگینی داشت و پیش‌تر قدرت آن را روی فک یکی از منتقدها آزموده بود و باور داشت که باید خرده حساب‌ها را با روشی «مردانه، تسویه کرد، واکنشی عجیب و بعید نبود. از او می‌خواستند -درواقع تحت فشارش می‌گذاشتند - که در تبلیغ ایدئولوژی آن‌ها چیزی بنویسد. در حال حاضر همه سعی می‌کنند انسان را پتر سازند آن هم با نوشتن و گفتن این مطلب که اگر کسی کمونیست نشود یا دیدگاه مارکسیستی نداشته باشد، هیچ دوستی نخواهد داشت و تنها خواهد ماند.»^۳ اما همینگوی که دیده بود پس از به قدرت رسیدن چپ‌ها در اسپانیا وضع مردم هیچ تغییری نکرده، نیاز به نشانه‌های دیگر و بیشتری نداشت تا از این کار تن بزند و مقام نویسندگی‌اش را به یک شاعرنویس و بوقچی تنزل ندهد. همینگوی یک واقع‌گرای تمام‌عیار بود. چشمان یک گزارش‌نویس بی‌طرف را داشت. او کارش را به صورت جدی از نوشتن برای روزنامه‌ها به‌عنوان خبرنگار شروع کرده و گزارش‌نویس قهاری بود - کاری که تقریباً تا وقتی توان نوشتن داشت ادامه داد. هر چند پایا در زندگی شخصی

و موضع‌گیری‌های سیاسی معصوم و بی‌خطا نبود، در نوشتن برای خودش فقط یک اصل را مقدس می‌دانست و به آن مؤمن بود: گفتن حقیقت

همان‌طور که می‌دید. البته او با همان چشم‌های واقع‌بین، بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ آمریکا و به خاک سیاه نشستن مردم را هم می‌دید. در پاسخ به نامه جوان محبوب چپ‌گرایی که التماسش کرده بود درباره حقیقت و عدالت چیزی بنویسد، نوشته بود درباره‌اش فکر می‌کند. نتیجه فکر کردن به این موضوع، نوشتن رمان «داشتن و نداشتن» بود. البته حقیقت و عدالت در این رمان احتمالاً آن چیزی نیست که آن هوادار محبوب به آن باور داشت. «داشتن و نداشتن»، فقط داستانی در زمینه بی‌عدالتی‌های گسترده اجتماعی و شکاف‌های عمیق طبقاتی جامعه آمریکان نیست. داستان فروپاشی معنوی و اخلاقی دنیای آن روزگار نیز هست.^۴ و علاوه بر آن، تصویری از انقلابی‌های کوبایی نشان می‌دهد که در آن، آن‌ها به اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند، پایبندند و نتیجه باور به این اصل هم برداشته شدن همه مرزهای انسانی و اخلاقی است. این‌ها واقعیت‌هایی بود که نویسنده باهوشی چون پایاهمینگوی نمی‌توانست به سادگی از کنار آن بگذرد.

بی‌خبر را هم که معترض است، می‌کشند و به دریا می‌اندازند. هری مورگان در موقعیتی مناسب اسلحه‌ای را که در موتورخانه پنهان کرده برمی‌دارد و کوبایی‌ها را می‌کشد، اما خودش هم با گلوله‌ای در شکم به ساحل می‌رسد و در بیمارستان جان می‌دهد.

اما «داشتن و نداشتن، فقط ماجرای هری مورگان نیست. همینگوی به زندگی نویسنده‌ای روشنفکر و همسرش و کهنه‌سربازها و بومی‌های فقیر و ثروتمندان هم پرداخته است.

«داشتن و نداشتن، چندان خوشایند انقلابی‌های چپ نبود: «همینگوی در دام نوشتن رمانی تبلیغاتی در دفاع از آرمان‌ها را می‌کشد، چپ‌گرایانه نمی‌افتد. به اعتقاد او، نه‌تنها نظام سرمایه‌داری، که باسودجویی افسارگسیخته خودخواهانه خود زمینه‌ساز فقر و تیره‌روزی و نابرابری‌های گسترده اجتماعی بوده است، بلکه مبارزان رادیکال و انقلابی‌های تندرو چپ‌گرا نیز جانب اخلاق

را فرو گذاشته بودند. تصویری که همینگوی از انقلابی‌های کوبایی دهه۳۰به دست می‌دهد خود به قدر کافی گویاست: گروهی مبارز از جان گذشته که برای فراهم کردن منابع مالی ضروری برای قیام علیه رژیم خودکامه کوبا از هیچ غارت و جنایتی روی‌گردان نیستند و هنگامی‌که پول بانک را سرقت می‌کنند، اولین اقدام آن‌ها کشتن رفیق همدستان و بعد قتل بی‌دلیل و بی‌رحمانه یک کارگر فقیر و نان‌آور یک خانواده است. سخنگوی این گروه جوانکی است بی‌تجربه که با حسن نیت تمام دست به اسلحه برده، اما از واقعیت‌های زندگی بی‌خبر مانده است و تصور می‌کند که می‌توان با روش‌های خشونت‌آمیز غیراخلاقی به نبرد بی‌عدالتی رفت. [...] همینگوی خامی و بی‌تجربگی و بی‌خبری او (جوانک انقلابی کوبایی)] را با تأکید بر اخلاق خوش و چهره زیبا و کودکانه‌اش نشان می‌دهد.»^۵

کارکرد و من هم از بچگی همراهش بودم. تمام این ژاندارم‌هایی که در فیلم‌های من می‌بینید، از مشاهدات عینی‌ام می‌آیند و تردید نکنید که واقعی‌ترین تصویر از این شق نظامی را در فیلم‌های من دیده‌اید.»^۶

ناخدا خورشید تقوایی شباهت‌هایی با هری مورگان همینگوی دارد، هر دو ناخدا‌های یک‌دست در تنگنا قرار گرفته‌اند، هر دوزن و سه دختر دارند، هر دو آدم‌های جریبه‌داری هستند اما نیروهایی که علیه آن‌ها صف‌آرایی کرده‌اند -در «داشتن و نداشتن، جانسن ودر «ناخدا خورشید، خواجه ماجد، و در هر دو اثر، مأموران دولتی و فقر و اوضاع بد اقتصادی و...-راهی برایشان نمی‌گذارند جز دست‌زدن به خلاف. شخصیت ملول در «ناخدا خورشید، را می‌شود با اغماض معادل شخصیت ادی در «داشتن و نداشتن، در نظر گرفت -هر دو از همراهان قهرمان داستان هستند- و تبعیدی‌ها را هم همان انقلابی‌های کوبایی، منتها آن‌طور که تقوایی گفته است، ناچار شده‌ان‌ها را گروهی بی‌هویت نشان بدهد: «آن گروه تبعیدی‌ها، درواقع یک گروه سیاسی بودند، ولی خب مسائلی پیش آمد که ناچار شدم این وجه را کم‌رنگ کنم. [...] چاره‌ای نداشتم.»^۷

می‌شود شباهت‌های زیادی بین اثر اصلی و اثر اقتباس شده پیدا کرد، البته تفاوت‌ها هم کم نیست. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها در این است که قهرمان تقوایی، مردی اخلاق مدار است و هری مورگان همینگوی چندان اعتنایی به اخلاق ندارد و حتی دست به قتل مرد چینی، آقای سینگ، می‌زند. با این همه، سرنوشت هر دو یکی است. ناصر تقوایی یکی از بهترین اقتباس‌های تاریخ سینمای ایران را در سال ۱۳۶۵ ساخت. فیلمی که می‌شد آن را به هاوارد هاکس نشان داد و گفت: اقتباس یعنی این، آقای کارگردان!

دست پیدا کند...

اما هیچ کدام از این‌ها به او در مقام نویسنده کمکی نخواهد کرد، مگر اینکه او چیز تازه‌ای بیابد که بتواند در نوشته‌اش به آگاهی بشر اضافه کند. ^۸ آنچه همینگوی رانجات داد، مؤمن‌بودنش به یک اصل در نویسندگی بود: حقیقت را بگو، همان‌طور که می‌بینی.

یک ایدئولوژی پر سروصدا نوشت. شاید گاهی شکار شیر و نیزه‌ماهی و تماشای مسابقه‌گاوپازی -و بی‌خیالی‌ای که منتقدانش او را بدان متهم می‌کردند- برای آدمی بهتر باشد از دنباله‌روی کور، هر چند این دنباله‌روی مواهیبی هم داشته باشد. همینگوی در پاییز سال ۱۹۳۴ در مجله اسکواپر نوشت: «هر نویسنده‌ای می‌تواند در زمان حیانتش زندگی مناسبی برای خود دست‌وپا کند؛ با پشتیبانی از یک هدف سیاسی و حمایت فعالانه از آن.» [می‌توان] اعتقاد به این هدف را به حرفه دائمی خود بدل کرد و در صورت پیروزی آن جناح سیاسی، نویسنده به موقعیت بسیار مناسبی دست پیدا می‌کند... هر کسی می‌تواند فاشیست یا کمونیست شود و در صورتی‌که جناح سیاسی او به حاکمیت برسد، نویسنده می‌تواند سفیر کشورش شود، یا اینکه به دستور دولت، کتاب او در تیراژ یک میلیون نسخه منتشر شود، یا به هر موقعیت دیگری که پسر بچه‌ها در خواب می‌بینند

- حقیقت را بگو، همان‌طور که می‌بینی**

انقلابی‌های چپ ناامید شدند وقتی «داشتن و نداشتن» را خواندند و در آن تصویری از خود دیدند که با آن چهره بزرگ‌کرده‌ای که می‌خواستند از خودشان نشان دهند، فاصله داشت. سال ۱۹۳۷ که این رمان منتشر شد، هنوز بسیاری از جابجایع نظام‌های کمونیستی برملا نشده بود. موج تسویه‌های بی‌رحمانه استالینی تازه آغاز شده و حتی اعضای خیلی از کسانی که آن بلا سرشان می‌آمد فکر می‌کردند اشتباهی پیش آمده و به‌زودی از آن‌ها اعاده حیثیت می‌شود. بسیاری از آن‌هایی که این‌طور فکر می‌کردند، مُردند و آزادی را ندیدند. جماعت‌زبانی از روشنفکران و اندیشمندان و نویسندگان بزرگ جهان هنوز توبه‌نامه‌نویشته بودند و به عضویت در حزب و تلاش برای خلق جامعه بی‌طبقه می‌بایندند. هوشمندی همینگوی در این بود که تحت تأثیر قرار نگرفت و رمانی در دفاع از

منابع:

۲. ۱. «ارنست همینگوی»، آنتونی برجس، ترجمه احمد کسایی پور، نشر هرمس

۳. از مستند ارنست همینگوی ساخته کن برنز و لین نوویک، محصول سال ۲۰۲۱

۴. ۵. ۱۲. مقاله «دانستن و نداشتن»، احمد کسایی پور، کتاب «داشتن و نداشتن»، ترجمه کسایی پور، نشر هرمس

۶. «گفت‌وگوی پیتر باگدانویچ با هاوارد هاکس درباره «داشتن و نداشتن»»، مجله هفت، خرداد ۱۳۸۲

۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. «به روایت ناصر تقوایی»، گفت‌وگوی احمد کسایی پور، نشر چشمه

